



اینگونه باشیم - 1 - بایسته های علمی و عملی روحانیون

پدیدآورده (ها) : وفا، جعفر

میان رشته ای :: پیام :: زمستان 1390 - شماره 108

از 98 تا 107

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/915901>

دانلود شده توسط : مرکز مدیریت حوزه های علمیه-کتابخانه ایت الله بروجردی

تاریخ دانلود : 29/04/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به [صفحه قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir



بایسته‌های علمی و عملی روحانیون

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

چکیده:

عالم دینی ابلاغ‌گر پیام الهی است و با صفاتی همچون، خداپرورایی، خضوع و خشوع، پندپذیری، شهامت، خودسازی و شهامت و شجاعت شناخته می‌شود و دارای بایستگی‌های آموزشی و رفتاری زیر است:

بایسته‌های آموزشی که عبارتند از: ارزش آموزش، انتخاب رشته خاصی از علوم و معارف (با دو ملاک گرایش فطری و سودمندی) و هدفمندی.

بایسته‌های رفتاری که عبارتند از: شرح صدر، همراهی با علم و عمل، عقل‌مداری، تقه و تعمق، نقادی [چه از خود و چه از دیگران] و نقدپذیری، تقوای علمی، توسعه قلمرو دانش، اصالت مکتبی و فرهنگی، سهم‌داری و زمان‌شناسی.

تقوای علمی با مقوله‌هایی همانند ارزیابی آموزش، تواضع آموزشی، امانت‌داری و اولویت‌بندی شناخته می‌شود.

کلید واژه‌ها: عالم دینی، علم و عمل، آموزش، تفقه، زمان‌شناسی، شرح صدر.

* پژوهشگر پژوهشکده تحقیقات اسلامی.

مقدمه

بشر بطور فطری حسّ گراست و درک محسوسات و ملموسات برای وی آسان تر است. پس شایسته است معنویات و امور غیرمادی در قالبهای محسوس و مجسم ارائه شود تا سهل و سریع بر دل نشیند. قرآن کریم به منظور تأمین این اصل فطری و رسیدن افراد به معارف عالی مکتبی و انسانی، برگزیدگانی را به عنوان «اسوه» و الگو معرفی می‌کند و از پیروان خود می‌خواهد که به آنان تأسی کنند و اندیشه و عمل خود را با آنها تطبیق دهند. صاحب المیزان در این باره می‌نویسد:

قرآن از قضایا و شخصیتها که می‌توانند در بخشی از شئون زندگی، الگو باشند به «مَثَل» یا «ضرب‌المثل» تعبیر می‌کند؛ زیرا که آن «به معنای کلام یا داستانی است که گوینده آن را می‌گوید تا مقصدی از مقاصدش را برای شنونده «مُمَثِّل» و «مَجَسِّم» کند و برای پیروانش بنمایاند که آنها نیز چنین باشند.^۱

عالمان دینی هم به همین منظور معرفی شده‌اند تا عامه مردم به ویژه دانشمندان وجود وصفی آنان را به صورت مَثَل و در قالب تجسم عینی بیابند و سیمای آنان را در آینه زلال قرآن و حدیث ببینند و سرمشق بگیرند و به عنوان اسوه بشناسند و خویششان را با آنان تطبیق و آفاق فکری و تربیتی خود را تکمیل نمایند تا بیش از پیش رنگ و بوی قرآنی بیابند.

تعریف عالم دینی

نخست به تصویر روشن و تعریف جامعی از عالم دینی می‌پردازیم: عالم دینی در منطق احادیث، یعنی آگاه به ابعاد گوناگون دین و شناخته‌های دینی و عامل به موازین اخلاق و اعمال اسلامی، کسی که دین را در ارتباط با «انسان و جهان» و «بشریت و حیات» و در بعد توحید و خدانشناسی، و حاکمیت سیاسی و اجتماعی، و تربیت و اخلاق و خودسازی، و مدیریت و قضا و حقوق و احکام و اقدام و اعمال به خوبی بشناسد و خود نمونه عملی آن باشد.^۲ شیخ انصاری (قدس سره) همین معانی را در قالب زیبا و متین بیان کرده، می‌فرماید:

فَالْعَالِمُ فِي الْحَقِيقَةِ مُبَلِّغٌ عَنِ اللَّهِ لِيَتِمَّ الْحُجَّةُ عَلَى الْجَاهِلِ وَ يَتَحَقَّقُ فِيهِ قَابِلِيَّةُ الْإِطَاعَةِ وَ الْمَعْصِيَةِ^۳

عالم (دینی) درحقیقت پیام‌رسانی است از سوی خداوند متعال تا حجت و دلیل و برهان را بر جاهل و ناآگاه تمام کند و در وجود او شایستگی و قابلیت طاعت و معصیت را تحقق بخشد (و هرگونه بهانه نافرمانی را از وی بگیرد).

چنین عالمی از نظر قرآن، نشانه‌هایی دارد که با آنها شناخته می‌شود که به اختصار عبارتند از:

۱. خضوع و خشیت الهی (خداترسی). (فاطر: ۲۸)



قرآن کریم به منظور رسیدن افراد به معارف عالی مکتبی و انسانی، برگزیدگانی را به عنوان «اسوه» و الگو معرفی می‌کند و از پیروان خود می‌خواهد که به آنان تأسی کنند و اندیشه و عمل خود را با آنها تطبیق دهند.

۲. مرز شناسی و رعایت حدود الهی. (بقره: ۲۳۰)
۳. چشمه سار خیرات و نیکیها. (بقره: ۲۶۹)
۴. پند پذیری و اهل تذکر بودن.
۵. روشن ضمیری و بر خوردااری از بینش عمیق و بصیرت و قدرت تمیز.
۶. وارستگی و خودسازی.
۷. شجاعت و دارای جرأت در اقدام و حرکت.
۸. حفظ وحدت عملی با هم مسلکان.

عالم دینی عالمی است جامع و دارای همه بایسته‌ها و شایسته‌های علمی و آموزشی و بایسته‌های رفتاری و اجتماعی. و ما آنها را در دو مقام تبیین می‌کنیم مقام اول را در همین شماره و مقام دوم را در شماره بعدی همین نشریه:

مقام اول: بایسته‌های علمی و آموزشی

یعنی دانش پژوهان و عالمانی که در حوزه‌های علمیه و مراکز دینی مشغول به تحصیل یا تدریس علوم اسلامی‌اند، در ساحت آموزش چگونه باید باشند، در یادگیری و یاددهی چه کسی را الگوی خود قرار دهند و آموزش علم را از کجا آغاز کنند و چگونه ادامه دهند و چه اهدافی را دنبال کنند و با چه شیوه‌هایی آموزه‌های خود را در میان مردم منتشر نمایند؟

۱. ارزش آموزش

سخن از ارزش علم و آموزش، در حقیقت سخن از ارزش روح و حیات است. جامعه خالی از علم به جهان خالی از آب می‌ماند و تن بی‌روح. از این رو همه اقشار به آموزش نیاز حیاتی دارند و حتی پیامبران نیز از آن بی‌نیاز نیستند. با اینکه پیامبر اسلام، از دیگر انبیا برتر و بالاتر است، خداوند متعال به او نیز دستور می‌دهد که فزون‌سازی دانش را از خدای خود بجوید:

... وَ قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا. (طه، ۱۱۴)

و بگو پروردگارا علم مرا افزون کن!

افزون طلبی علم از خواسته‌های سایر انبیا نیز هست؛ چنانکه حضرت ابراهیم علیه السلام عرضه می‌دارد:

رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَ الْحَقِيقِي بِالصَّالِحِينَ (شعرا: ۸۲)

پروردگارا به من علم و دانش ببخش و مرا به صالحان ملحق کن!

قرآن پیروان خود را پیوسته به آموزش علوم و کسب دانش فرا می‌خواند و ارزش آن را یادآور می‌شود





عالم دینی در منطق احادیث، یعنی آگاه به ابعاد گوناگون دین و شناخته‌های دینی و عامل به موازین اخلاق و اعمال اسلامی.

و نقش آن را در ابعاد گوناگون زندگی، در قالب تمثیلات و تشبیهات ترسیم می‌کند؛ علم را نور و جهل را تاریکی می‌خواند و مدارج عالی و مقامات رفیع را مختص عالمان و اندیشمندان مؤمن می‌داند:

يَرَفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ

دَرَجَاتٍ؛ (مجادله: ۱۱)

خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی می‌بخشد.

کدام مقام بالاتر از آنکه قرآن، دانشمندان و عالمان متعهد را مرجع عام و محور مراجعات معرفی کرده و از مردم خواسته است که مجهولات خود را با آنان در میان بگذارند:

فَسَأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ (نحل: ۴۳)

اگر نمی‌دانید از آگاهان و از «اهل ذکر» بپرسید.

۲- انتخاب رشته

از قدیم گفته‌اند که: «همه کارها هیچ کاره‌اند»؛ چون استعداد بشر محدود است و همه نمی‌توانند در همه علوم تبحر یابند، پس به ناچار هر کسی باید رشته‌ای از علوم برگزیند و در آنها به تحقیق بپردازد. انتخاب رشته ملاک‌ها و شاخصه‌هایی دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

الف: گرایش فطری: عشق و علاقه ذاتی به ابعاد زندگی انسان سمت و سو می‌بخشد و سنگ بنای آینده علمی و فکری او می‌شود. پس هر کسی باید دنبال تخصصی برود و علمی را بیاموزد که مطابق ذوق و اشتیاق اوست. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

الْعِلْمُ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحَاطَ بِهِ فِخْذُوا مِنْ كُلِّ عِلْمٍ أَحْسَنَهُ.

دانش بیش از آن است که بتوان همه آن را فرا گرفت، پس از هر دانشی نیکوترین آن را بگیرید.

ب: سودمندی: ملاک دوم، انتخاب رشته، مفید بودن آن است؛ پس علمی که دست کم در یکی از ابعاد زندگی مادی یا معنوی انسان منشأ اثر نباشد پرداختن به آن، ضایع کردن وقت و نیرو است. به همین جهت ائمه علیهم السلام از انتخاب چنین رشته‌هایی باز می‌داشتند امام کاظم علیه السلام در گفتاری جامع، این ملاک را به روشنی تبیین نموده و فرمود:

فَلَا تَشْتَغَلَنَّ بِعِلْمٍ مَا لَا يَضُرُّكَ جَهْلُهُ - وَلَا تَغْفُلَنَّ عَنْ عِلْمٍ مَا يَزِيدُ فِي جَهْلِكَ تَرْكُهُ.

پس به علمی نپرداز که نادانستن آن زیانی برای تو ندارد، و از علمی غافل مشو که فرو گذاشتن آن بر نادانی تو می‌افزاید.



۳- هدفمندی آموزش

هدف از آموزش در فرهنگ دینی، رشد معنوی و به کمال مطلوب رسیدن است و آن اختصاص به افراد عامی ندارد بلکه حتی پیامبران و مردان موحد و وحی آشنا نیز علم را برای نیل به کمالات نهایی می‌آموختند، مانند حضرت موسی علیه السلام که به استادش حضرت خضر علیه السلام می‌گوید:

هَلْ أَتَبَعَكَ عَلِيٌّ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا (کَهِفَ ۶۶)

آیا از تو پیروی کنم تا از آنچه به تو تعلیم داده شده و مایه رشد و

هدف از آموزش در فرهنگ دینی، رشد معنوی و به کمال مطلوب رسیدن است و آن اختصاص به افراد عامی ندارد بلکه حتی پیامبران و مردان موحد و وحی آشنا نیز علم را برای نیل به کمالات نهایی می‌آموختند.

صلاح است، به من بیاموزی؟

کلمه "رشد" در معنا مخالف "غی"، و به معنای رسیدن به واقع و صواب است. و معنای آیه این است که: موسی علیه السلام گفت آیا اجازه می‌دهی که با تو بیایم، و تو را بر این اساس پیروی کنم که آنچه خدا به تو داده به من تعلیم کنی برای اینکه من هم به وسیله آن رشد یابم.

عالم دینی هم باید در آموزش علوم، هدف بزرگ و بس بلندی داشته باشد. او باید برای احیای فرهنگ دینی در جامعه و ارائه خدمات علمی و معنوی دست به آموزش بزند و از اهداف سطحی و کوچک بپرهیزد و هرگز نباید خودنمایی و غلبه بر رقیب هدف و همت وی باشد چرا که این نوع هدفگیری ناشی از وسوسه شیطان و نفس اماره است و به همین جهت ائمه علیهم السلام پیروان خود را از آن باز می‌داشتند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«... إِيَّاكُمْ أَنْ تَطْلُبُوهُ لِيُخْضَلَ أَرْبَعٌ لِنَبَاهُوا بِهِ الْعُلَمَاءَ أَوْ تُمَارُوا بِهِ السُّفَهَاءَ أَوْ تَرَأَوْا بِهِ فِي الْمَجَالِسِ أَوْ تَصْرِفُوا وُجُوهَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ لِلتَّرْوِءِ ۶»

میاد که علم را به خاطر چهار چیز خواستار شوید: که به وسیله آن در مقابل دانشمندان به خود بیالید، یا با آن به مجادله و محاجه با سفیهان برخیزید، یا در مجالس خودنمایی کنید یا مردمان را برای سروری و بزرگی متوجه خود سازید.

دانشوران در جستن علم باید رضایت الهی را بر خشنودی نفس و مردم ترجیح دهند که در این صورت همه امتیازات را نیز به دست می‌آورند و به خدا تقرب می‌جویند و در عرش الهی شهرت می‌یابند و این وعده امام صادق علیه السلام است که فرمود:

مَنْ تَعَلَّمَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَعَمِلَ لِلَّهِ وَعَلَّمَ لِلَّهِ دُعِيَ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ عَظِيمًا وَقِيلَ تَعَلَّمَ لِلَّهِ وَعَلَّمَ لِلَّهِ ۷

هر که برای خدای بزرگ علم بیاموزد، و برای خدا عمل کند، و برای خدا به آموختن علم به دیگران بپردازد، در ملکوت آسمانها بزرگ خوانده شود. در آنجا گویند: او برای خدا آموخت، و



جامع‌ترین هدف برای عالمان دینی درست فهمیدن دین و تأمین نیازهای دینی مردم است؛ بسان طبیب که همت بلند او باید سالم سازی محیط از آلودگی‌ها و پیشگیری مردم از انواع بیماری‌ها و معالجه آنها باشد.

برای خدا عمل کرد، و برای خدا به آموختن آن به دیگران پرداخت.

جامع‌ترین هدف برای عالمان دینی درست فهمیدن دین و تأمین نیازهای دینی مردم است؛ بسان طبیب که همت بلند او باید سالم سازی محیط از آلودگی‌ها و پیشگیری مردم از انواع بیماری‌ها و معالجه آنها باشد. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

... يَتَعَلَّمُ لِلتَّقْوَةِ وَ السَّدَادِ.^۸

(خدای آن کس را بیاموزد که) برای دانا شدن (در

دین) و پیدا کردن راه درست (زندگی)، به آموختن علم بپردازد.

۴. شیوه آموزش

آموزش دارای روشهای زیادی است ولی ما در اینجا به چند شیوه بنیادین اشاره می‌کنیم:

الف - گوش سپاری: در یادگیری، گوش و گوش سپاری، بیش از چشم و دید و نگاه نقش دارد. گوش در هر شرایط زمانی و مکانی در شب و روز و در حال سکون و حرکت، دانش اندوز است در حالی که چشم تنها در شرایط خاص سودمند است و شاید به همین جهت است که قرآن کریم «سمع» و «حس شنوایی» را مقدم بر حس بینائی و حتی مقدم بر قلب آدمی بیان می‌کند:

إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا (اسرا: ۳۶)

گوش و چشم و دل بازخواست خواهند شد.

گوش وقتی ارزش مضاعف می‌یابد که شنوا باشد و از آن به عنوان ظرف مناسب برای کسب دانش بهره جوید.

قرآن کریم هم چنین گوش و چنان کسی را شایسته علم آموزی می‌داند:

لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَ تَعْيِهَا أُذُنٌ وَاَعْيَةُ (الحاقة: ۱۲)

ما شما را بر کشتی سوار کردیم تا آن را برای شما مایه تذکری گردانیم و گوشهای شنوا آن را نگاه دارد.

"تعیه" از ماده "وعی" (بر وزن سعی) در اصل به معنی نگهداری چیزی در قلب است، سپس به هر ظرفی "وعاء" گفته شده، چون چیزی را در خود نگه می‌دارد، و در آیه مورد بحث این صفت برای "گوشها" ذکر شده است، گوشهایی که حقایق را می‌شنوند و در خود نگه می‌دارند.

یا به تعبیر دیگر گاه انسان سخنی را می‌شنود ولی فوراً آن را از گوش بیرون می‌افکند همانطور که در تعبیرات عامیانه می‌گوئیم: از این گوش شنید و از گوش دیگر بیرون کرد، ولی گاه روی آن اندیشه





می‌کند و در دل جای می‌دهد، و آن را چراغ راه زندگی خود می‌کند. این چیزی است که از آن تعبیر به "وعی" می‌شود. پیغمبر گرامی اسلام به هنگام نزول آیه فوق (و تَعِيَهَا أذُنٌ وَاَعْيَةٌ) فرمود: سَأَلْتُ رَبِّي أَنْ يَجْعَلَهَا أذُنَكَ يَا عَلِيُّ: "من از خدا خواستم که گوش علی را از این گوشهای شنوا و نگه‌دارنده حقایق قرار دهد."

و به دنبال آن امام علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرمود:

مَا سَمِعْتُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شَيْئًا قَطُّ فَنَسِيْتَهُ إِلَّا حَفِظْتُهُ^۹
من هیچ سخنی بعد از آن از رسول خدا نشنیدم که آن را فراموش کنم بلکه همیشه آن را به خاطر داشتم.

امام علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

أَلَا إِنَّ أَبْصَرَ الْأَبْصَارِ مَا نَفَذَ فِي الْخَيْرِ طَرْفُهُ أَلَّا إِنَّ أَسْمَعَ الْأَسْمَاعِ مَا وَعَى التَّدْكَيرَ وَ قَبْلَهُ.^{۱۰}

بدانید که بیناترین دیده آن است که در کار نیک نفوذ کند و آن را بباید. و بدانید که شنواترین گوش آن است که پند را دریابد و آن را بپذیرد.

ب - اندیشه محوری: علم، ریشه در اندیشه دارد و باید پیوسته به تفکر پرداخت تا چشمه های دانش و حکمت از نهاد وجود انسان به جوشد؛ و این گفتار امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام است که فرمود:

لَا عِلْمَ كَالْتَفَكْرِ^{۱۱}

هیچ دانشی همچون تفکر نیست.

آینه علم تنها با تفکر، شفاف می‌شود و گر نه حقایق را منعکس نمی‌کند؛ چنان که حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

الْفِكْرُ مِرْأَةٌ صَافِيَةٌ^{۱۲}

فکر و اندیشه آینه‌ای است صاف و شفاف.

آموزش نباید بر اساس ذهن و حفظ و از بر کردن صورت بندد بلکه باید بر مبنای تفکر و اغنای عقل و اندیشه انجام گیرد؛ زیرا علم هنگامی مایه برکت است که اندیشه آدمی را بارور سازد و گر نه حافظه انسان فقط به یک کتابخانه تبدیل می‌شود و از خودش تولید علم جدید ندارد.

آموزشی که همراه با فهم عمیق نباشد، ارزش زیادی نمی‌یابد؛ امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

أَلَا لَا خَيْرَ فِي عِلْمٍ لَيْسَ فِيهِ تَفْهَمٌ أَلَّا لَا خَيْرَ فِي قِرَاءَةٍ لَيْسَ فِيهَا تَدَبُّرٌ^{۱۳}

به هوش باش علمی که همراه فهم و قرائت قرآنی که همراه تدبیر نباشد خیر و برکتی ندارد.

آدمی با بکارگیری نیروی فکر می‌تواند به نظرات خود بال و پر دهد و به تکمیل و تصحیح آنها



پردازد. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

مَنْ طَالَ فِكْرُهُ حَسَنَ نَظَرِهِ^{۱۴}

هر کس زیاد بیندیشد نظرش زیبا (و پخته تر) می‌گردد.

به همین جهت، متفکر بودن از نشانه‌های خاص مؤمنان واقعی است و این گفتار نبوی شاهد زنده این معناست که فرمود:

... مِنْ صِفَاتِ الْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ جَوَالَ الْفِكْرِ^{۱۵}.

از صفات مؤمن این است که فکرش پیوسته در جریان است. (و هیچ وقت راکد نمی‌گردد).

اگر برخی از فرهیختگان و دانش پژوهان به مراتب عالی

علمی رسیده‌اند بیشتر در سایه تفکر عمیق بوده است نه هوش سرشار و ذهن قوی. در این باره به یک نمونه بسنده می‌کنیم و آن شیوه آموزش شهید رابع آیه الله سید محمد باقر صدر است. او با الهام از این اصل مهم، پیوسته در حال تفکر بود و به آن بیش از مطالعه کتاب، بها می‌داد. یکی از شاگردانش می‌گوید: روزی از او پرسیدم: اگر کسی از شما سؤال کند که محمد باقر صدر چگونه محمد باقر شد شما چه پاسخی می‌دهید؟ با لبخند ملیحی فرمود: «بنده در یک جمله به این آقا جواب می‌دهم که باقر صدر، مساوی است با ده درصد مطالعه و نود درصد تفکر.» اگر به این جمله توجه کنید واقعاً آن را بسیار عمیق و مهم خواهید یافت و خواهید فهمید که راز سرفرازی علمی او نیز در همین خصلت بود. دوباره از ایشان پرسیدم اگر کسی از شما سؤال کند روزی چند ساعت مطالعه می‌کنید چه جوابی می‌دهید؟ فرمود: شما باید از من بپرسید، روزی چند ساعت با کتاب هستید و میان آن دو فرق بسیاری است، چون اگر سؤال کنید چند ساعت مطالعه می‌کنید من ممکن است بگویم روزی شش ساعت یا روزی ده ساعت؛ اما وقتی که سؤال کنید که روزی چند ساعت با کتاب هستید من در یک جمله پاسخ می‌دهم که تا خواب نیستم با کتاب هستم. مثلاً در دکان قصابی ایستاده‌ام ولی با کتابم چون یک مسأله فکری در ذهنم وجود دارد و آن را حل می‌کنم یا نشسته‌ام و غذا می‌خورم ولی با کتاب هستم.^{۱۶}

او در خاطره دیگری از شیوه آموزش خود می‌گوید:

من هر روز در ساعت معینی به حرم امیرالمومنین علیه السلام مشرف می‌شدم و در گوشه‌ای می‌نشستم و در موضوع معینی به دقت و با تمرکز حواس فکر می‌کردم و در آن ساعت، حقایق زیاد و مسائل جدیدی برابم کشف می‌شد.

ج- فراگیری: یک عالم دینی باید جهان اندیش و گستره علمش فراگیر باشد و در آموزه‌های مرسوم و معمول، محصور نباشد بلکه فرا سنتی و فرا مرزی بیندیشد و از نظرات و مواضع مختلف سیاسی و

یک عالم دینی باید جهان اندیش و گستره علمش فراگیر باشد و در آموزه‌های مرسوم و معمول، محصور نباشد بلکه فرا سنتی و فرا مرزی بیندیشد و از نظرات و مواضع مختلف سیاسی و اجتماعی آگاهی بیابد و با تازه‌ترین آراء و اخبار علمی، فقهی و کلامی در حوزه مکتب شناسی و علوم قرآن آشنا گردد.

اجتماعی آگاهی بیابد و با تازه‌ترین آراء و اخبار علمی، فقهی و کلامی در حوزه مکتب‌شناسی و علوم قرآن آشنا گردد. او اگر به آموخته‌ها و اندوخته‌های گذشته و محدود خود بسنده کند از پاسخ‌گویی به مسائل جاری جامعه عقب می‌ماند. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ جَهْلٌ وَجُوهَ الْأَرَءِ أَعْيَتْهُ الْحِيلُ.^{۱۷}

آنکه از آرای مختلف بی‌خبر باشد، در چاره‌جوییها درماند.

و امام جواد علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ لَمْ يَعْرِفِ الْمَوَارِدَ أَعْيَتْهُ الْمَصَادِرُ.^{۱۸}

آنکه راه وارد شدن را نداند، در جستجوی راه بیرون رفتن درمانده گردد.

د- **تکرار شعورمندانه:** قرآن کریم تکرار آگاهانه را برای یادگیری روش مطلوب می‌شناسد و بر آن تکیه و تأکید دارد و در عمل نشان می‌دهد برای نمونه:

الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَانِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ حَاسِبًا وَهُوَ حَسِيرٌ (ملک: ۳-۴)
آنکه هفت آسمان را طبقه طبقه بیافریند. در آفرینش خدای رحمان هیچ خلل و بی‌نظمی نمی‌بینی. پس بار دیگر نظر کن، آیا در آسمان شکافی می‌بینی؟

بار دیگر نیز چشم باز کن و بنگر. نگاه تو خسته و درمانده به نزد تو باز خواهد گشت.

قرآن به مخاطبانش امر می‌کند که جهان طبیعت را به تکرار ببینند در حالی که این تکرار در امور معنوی باید بیشتر باشد.

و اما روش عینی و عملی قرآن بیشتر از آن است که در این مقاله کوتاه بگنجد و برای نمونه کافی است اشاره کنیم به تکرار لفظی یک آیه در سوره الرحمن به تعداد ۳۵ بار و تکرار معنوی و موضوعی «توحید» حدود دو هزار بار.

آن توصیه مؤکد و این نمونه‌های عینی به می‌آموزد که آموزشی ثمر بخش است که همراه با تکرار باشد.

ادامه دارد ...



پی نوشت‌ها

۱. ترجمه میزان، ج ۱۷، ص ۱۰۶.
۲. الحیاء، ج ۱، ص ۱۰۳.
۳. المکاسب، شیخ انصاری، ص ۱۰.
۴. بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۱۹.
۵. همان، ج ۷۵، ص ۳۳۳.
۶. ارشاد شیخ مفید، ص ۱۱۱.
۷. بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۷.
۸. همان، ج ۷۵، ص ۴۶.
۹. فضائل الخمسة، فیروز آبادی، ج ۱، ص ۲۷۵.
۱۰. شرح غرر، ج ۷، ص ۳۸۵.
۱۱. نهج البلاغة، حکمت ۱۰۹.
۱۲. همان، حکمت ۵.
۱۳. بحار الانوار، ج ۲، ص ۴۹.
۱۴. غرر الحکم، ص ۵۷.
۱۵. بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۳۱۰.
۱۶. ر. ک: فصلنامه مریبان، ش ۵.
۱۷. الحیاء، ج ۱، ص ۹۷.
۱۸. همان.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

